



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نوری مفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۴- تکمله: راههای دیگر جلوگیری از بارداری- الف) راههایی که موجب عقم نمی شوند- مصادف با: ۱ شعبان ۱۴۴۰

دسته اول: قبل از انعقاد نطفه- راه اول تا پنجم

جلسه: ۹۱

سال اول

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

به مناسبت بحث از عزل که در مسأله چهاردهم مطرح شده بود، ما به عنوان تکمیل بحث وارد بررسی فقهی راههای جلوگیری از بارداری شدیم. عرض کردیم مقدمتاً باید این راهها را بشناسیم تا بعداً اینها را مورد بررسی قرار دهیم. در جلسه قبل اجمالاً درباره چگونگی بارداری و مراحل که منجر به بارداری زن و تکون فرزند می شود، مطالبی را عرض کردیم و گفتیم طی چندین مرحله این امر اتفاق می افتد. بعد از بیان این مطلب، برای تکمیل این مقدمه فهرستی از راههای جلوگیری از بارداری را مرور می کنیم و بعد ان شاء الله درباره آنها بیشتر سخن خواهیم گفت.

گفته شد راههایی که برای جلوگیری از بارداری اعمال می شود، برخی مربوط به مردان و برخی مربوط به زنان است؛ ولی عمدتاً از مرحله ای که اشاره کردیم، چون در مورد زنان اتفاق می افتد، لذا بیشتر راههای جلوگیری از بارداری نیز معطوف به زنان است. این راهها هم دو دسته هستند؛ برخی از این راهها منجر به عقم و ناباروری می شود و برخی از آنها منجر به عقم نمی شود. عقم هم دو صورت دارد؛ گاهی عقم موقت است و گاهی دائمی است. یعنی برخی از این راهها موقتاً منجر به ناباروری می شود و این غیر از راههایی است که به واسطه آن اساساً جلوی تکون فرزند را می گیرد. مثلاً بستن لوله مردان طبق نظر برخی عقم موقت ایجاد می کند، هر چند اکثراً معتقدند که حتی اگر بعداً این لوله ها باز شود، باز هم عقم دائمی به دنبال دارد. در مورد زنان نیز همین طور است که منجر به عقم می شود؛ اما برخی از این راهها منجر به عقم نمی شود. این دو دسته راه جلوگیری از بارداری خیلی با هم متفاوت هستند؛ لذا ما باید این دو راه را در هنگام بررسی از هم تفکیک کنیم و اساساً ادله ای که در این طرق مورد مذاقه قرار می گیرد، با هم متفاوت است.

اما راههایی که به طور کلی مانع از بارداری می شود و جلوی تکون فرزند را می گیرد، یکی از آنها این است که اساساً جلوی انتقال اسپرم به منی و نهایتاً مانع تحقق و تکون فرزند می شود. یعنی اساساً نمی گذارد اسپرم به منی منتقل شود؛ آن لوله ای که اسپرم را به منی منتقل می کند، آن لوله بسته می شود. این در مورد مردان است که اصطلاحاً به آن وازکتومی گفته می شود. این راهی است که ما در زمره طرقی که منجر به عقم می شوند - ولو موقتاً - ان شاء الله بررسی خواهیم کرد. غیر از این، عزل یکی از این راههاست که بحث آن به تفصیل گذشت. استفاده از پوششهایی که به نوعی جلوی ورود منی که حاوی اسپرم است را به داخل رحم می گیرد. تقریباً آن کارهایی که در رابطه با مردان انجام می شود، همین چند راه است.

**الف) راههایی که موجب عقم نمی شود**

۱. حکم عزل را دانستیم و گفتیم عزل جایز است و ادله حرمت را به تمامه بررسی کردیم و معلوم شد که هیچ کدام نمی تواند حرمت را اثبات کند؛ مسأله کراهت امر دیگری است.

۲. استفاده از پوشش و محفظه که در واقع مختص به مردان است، این هم تقریباً در حکم عزل است و محلق به عزل است. چون افرغ المنی خارج الرحم اینجا نیز صدق می کند؛ لذا این هم ملحق به عزل است و بحث مستقلی ندارد. مسأله بستن لوله را هم گفتیم که بعداً بررسی می کنیم. سایر طرق و راهها مربوط به زنان است.

۳. در مورد زنان یک راه آن است که از آزاد شدن تخمکها جلوگیری می شود. این اولین گام است که برای جلوگیری از بارداری در زنان می تواند اعمال شود؛ یعنی از اساس نگذارد که تخمک آزاد شود. داروهای مخصوصی برای این کار وجود دارد که یا به صورت قرص و آمپول هستند و یا حتی بعضی از دستگاههایی است که زیر پوست کار گذاشته می شود و اثر این داروها به هر یک از این اشکال، آن است که از تولید تخمک جلوگیری می کند و اساساً نمی گذارد که تخمک در زن ایجاد شود.

چه بسا حکم این راه با توجه به مطالبی که ما در گذشته بیان کردیم معلوم باشد. اگر به خاطر داشته باشید بعد از خاتمه بحث عزل یک عنوانی را مطرح کردیم تحت عنوان عزل المرأة؛ معنای عزل المرأة این بود که زن به نوعی خودش را در هنگام مقاربت از معرضیت برای دخول منی به رحم خارج کند. البته این مطلب در تحریر مطرح نشده بود ولی مرحوم سید در عروه مسأله عزل المرأة را هم از نظر حکم تکلیفی بیان کرده اند و هم درباره دیه بحث کرده اند. ما آنجا به تفصیل بیان کردیم که عزل المرأة حرام نیست. همچنین عرض کردیم که وجوب دیه ثابت نمی شود.

حال آیا استفاده از داروهایی که به نوعی مانع تولید تخمک در زنان می شود، حکم عزل را دارد؟ یعنی آیا همان مطلبی که درباره عزل المرأة گفتیم، اینجا ثابت است؟ به نظر می رسد همان دلیل و مستندی که برای عدم حرمت عزل المرأة گفتیم اینجا نیز جاری است. چون آن چه می تواند از دید برخی به عنوان ادله حرمت عزل مرأة بیان شود، چند دلیل است. روایات اساساً ناظر به عزل الرجل است؛ یعنی ما از نظر دلیل لفظی چیزی درباره عزل المرأة نداریم و اگر هم باشد، قابل اتکا نیست. فقط برخی از ادله دیگر باقی می ماند؛ مثلاً یکی از ادله این بود که این کار در واقع اتلاف شیء با ارزش است. چون تخمک زن یک شیء با ارزش است و آن هم از این باب که قابلیت تبدیل به یک انسان را دارد و اتلاف شیء با ارزش حرام است و لذا نتیجه این است که از بین بردن تخمکها به هر وسیله ای حرام است. بطلان این دلیل واضح و آشکار است. ما تفصیلاً اشکال و بطلان این دلیل را بیان کردیم.

یا مثلاً یکی از ادله حرمت عزل، ملازمه بین وجوب دیه با حرمت عزل است. عرض کردیم که چنین ملازمه ای وجود ندارد و اساساً دیه ای واجب نیست تا ما بخواهیم از آن به طریق استلزام حرمت عزل یا حرمت از بین بردن تخمکها را نتیجه بگیریم.

به علاوه در این کارها مقارناتی که حرام باشند اتفاق نمی افتد. یک وقت یک فعلی ممکن است فی نفسه حرام نباشد اما به جهت اقتران با برخی از امور محرمه حرام شود. قرص خوردن یا تزریق یا حتی گذاشتن یک دستگاه در زیر پوست برای

اینکه تخمک‌های زن را از بین ببرد، مقارن با هیچ عمل حرامی نیست. عمل‌های حرامی که می‌تواند مقارن با این کارها باشد، بالاخره یا نظر اجنبی است که این جا چنین چیزی وجود ندارد؛ یا حرمت لمس است که این هم اینجا اتفاق نمی‌افتد؛ یا مثلاً این کار مستلزم نظر به عورت - به معنای عام - نیست. هیچ کدام از اینها در این طرق اتفاق نمی‌افتد که ما بخواهیم به اعتبار مقارنات حرام آن، حکم به حرمت کنیم.

دلیل دیگری که می‌تواند مستمسک عدم جواز قرار گیرد، ضرری است که ممکن است از ناحیه این کارها متوجه زن شود. این راه‌ها ضرری که می‌بایست آن را از خودش دور کند، متوجه زن نمی‌کند؛ نقصی در او ایجاد نمی‌کند و منجر به عقم نمی‌شود. لذا به استناد اینکه این طرق موجب اضرار به نفس است، نمی‌توانیم بگوییم حرام است.

پس هیچ یک از ادله‌ای که به نوعی می‌تواند مقتضی حکم حرمت در این طرق و راه‌ها باشد، اینجا وجود ندارد و کارآیی ندارد. نه روایات و نه آن ادله‌ای که برای حرمت عزل المرأة قابل ذکر است و نه مسأله اضرار به نفس و نه مقارن بودن با برخی از امور محرمه، هیچ کدام در این راه‌هایی که به نوعی مانع آزاد کردن تخمک در زن می‌شود، وجود ندارد.

بنابراین اشکالی در جواز استفاده از این راه به نظر نمی‌رسد. فقط یک نکته در اینجا مهم است و آن هم اذن الزوج است. یعنی باید ببینیم آیا زن برای استفاده از این راه‌هایی که به نوعی مانع آزاد شدن تخمک می‌شوند، آیا نیازمند رضایت همسر و اذن او هست یا نه. تنها مطلبی که اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، همین است. در بحث عزل الرجل عرض کردیم عزل جایز است مع رضا الزوجة. علاوه بر اینکه در روایت تصریح به این نکته شده بود، دلیل دیگری هم برای آن ذکر شد و آن اینکه به هر حال این یک حق برای زن است. یکی حقی است که برای فرزندآوری دارد؛ اختلاط اسپرم و تخمک منجر به تکون فرزند می‌شود. همان طور که مرد یک حقی دارد، زن هم یک حقی دارد. گفتیم مراعات آن حق اقتضا می‌کند که این با رضایت زوجه همراه باشد.

آیا اینجا رضایت همسر و زوج برای استفاده از این داروها لازم است یا نه. بعید نیست که مسأله اذن و رضایت زوج را در این امر دخیل بدانیم. بالاخره حکماً این به نوعی عزل المرأة محسوب می‌شود؛ حقیقتاً عزل المرأة نیست، چون عزل المرأة یعنی اینکه خودش را به نوعی از معرضیت ورود منی به رحم خارج کند. اما همان آثار و همان عواقب را - البته با تفاوت‌هایی - ممکن است اینجا فی الجمله مترتب بدانیم. درست است که ما در برخی از روایات این تعبیر را داریم و به مناسبت بحث از محلل در جایی که سه طلاق داده این بحث هست که آیا به صرف نکاح ولو دخول واقع نشود، این تحلیل صورت می‌گیرد یا نه. آنجا تعبیر «حتى تذوق عصيلة» مطرح شده است؛ یعنی آن عصيلة و عصاره و ماء الرجل را باید بچشد. حالا اینجا ذوق الاصيلة محقق می‌شود. این قرص‌ها و داروها مانع ذوق اصيلة نیست ولی به هر حال آن حقی را که زوج برای صاحب فرزند شدن دارد را سلب می‌کند؛ این به نوعی مانع استیفاء این حق می‌شود. لذا بعید نیست از باب اینکه استفاده از این داروها به نوعی منافات با آن حق دارد، بگوییم رضایت زوج شرط است. یعنی اگر از این قرص‌ها و داروها می‌خواهد استفاده کند، منوط به اذن و رضایت زوج است.

راه دیگری که به نوعی مانع لقاح می‌شود، بستن لوله‌های زنان است. همان طور که لوله‌های مردان بسته می‌شود، لوله‌های زنان نیز قابلیت انسداد دارد که از آن تعبیر به توبکتومی می‌کنند. چون این راه نوعاً و غالباً منجر به عقم می‌شود، این را

جداگانه در بخش دوم بررسی می‌کنیم؛ ما فعلاً می‌خواهیم آن طرق و راه‌هایی را که عقم را به دنبال ندارند بررسی کنیم. زمانی که مسأله عقم مطرح می‌شود، یک عناوین جدیدی پدید می‌آیند که از آن زاویه باید بررسی شوند. پس بستن لوله در مردان و زنان را به اعتبار اینکه معمولاً منجر به عقم می‌شوند یا حداقل این است که یک عقم موقت ایجاد می‌کنند را بعداً بررسی می‌کنیم. بالاخره وقتی این لوله‌ها بسته شود، دیگر تخمک‌ها قابلیت امتزاج با اسپرم را از دست می‌دهند و دیگر راه بسته می‌شود تا اسپرم بیاید و با این تخمک‌ها مخلوط شود و به انعقاد نطفه بینجامد.

۴. راه دیگر آن است که وسیله‌ای در دهانه رحم قرار می‌دهند که از ورود منی به داخل رحم جلوگیری می‌کند که اصطلاحاً به آن دیافراگم می‌گویند. این یک وسیله‌ای است که به نوعی در دهانه رحم کار گذاشته می‌شود و جلوی ورود اسپرم را به داخل رحم می‌گیرد. اگر به خاطر داشته باشید در جلسه قبل عرض شد که منی که حاوی اسپرم است با ورود به فضای رحم یک مسیری را طی می‌کند و به کمک حرکت خود رحم به فضای فوقانی انتقال پیدا می‌کند و آنگاه با تخمک‌هایی که در لوله‌های رحم آزاد شده، عمل لقاح صورت می‌گیرد. وقتی در دهانه رحم این وسیله کار گذاشته شود، قهراً دیگر امکان لقاح از بین می‌رود. در این مرحله کاری به آزاد کردن تخمک‌ها ندارند و تخمک‌ها آزاد می‌شوند، اما برای اختلاط و امتزاج اسپرم و تخمک مانع ایجاد می‌شود. آیا این کار جایز است یا نه؟

با توجه به مطالبی که در گذشته گفتیم، حکم این عمل مشخص است. هیچ یک از ادله‌ای که مقتضی حرمت‌اند اینجا کارآیی ندارند. اگر بخواهیم یک به یک ادله را بررسی کنیم زمان می‌برد؛ همان نکاتی که در مورد مصرف داروها که به نوعی جلوی آزاد شدن تخمک را می‌گیرند، همان مطالب در اینجا نیز جریان پیدا می‌کند.

مسأله اضرار در اینجا منتفی است، چون علی الظاهر بر طبق گفته متخصصین و اهل فن، مستلزم ضرر و نقص نیست. مسأله اتلاف و ملازمه بین حرمت عزل و وجوب دیه نیز منتفی است. خلاصه همه آن ادله‌ای که در باب عزل گفتیم، ادله‌ای که برای تحریم عزل بیان شده بود، اگر اینجا هم طرح شود پاسخ همان است که آنجا گفتیم. لذا به نظر می‌رسد که این هم اشکالی ندارد. تنها نکته‌ای که اینجا قابل توجه است، مسأله اذن و رضایت زوج است؛ چه بسا این کار بدون اذن و رضایت زوجه جایز نباشد. چون این منافات دارد با آن حقی که زوج در این رابطه و در این ارتباط دارد.

۵. راه دیگر تقریباً مثل همین راه قبل است که همان خاصیت و کارکرد را دارد و آن هم استفاده از یک وسیله‌ای به نام اسفنج است. اسفنج تقریباً همان کاری را انجام می‌دهد که دیافراگم انجام می‌دهد؛ منتهی از نظر شکل و نوع استفاده تفاوت‌هایی دارد. عمده این است که مانع ورود منی و اسپرم به دهانه رحم و قرار گرفتن در فضای رحم می‌شود. همه مباحث این راه مطابق النعل بالنعل همان است که در طریق قبل گفته شد. هیچ کدام از ادله حرمت در اینجا نمی‌تواند حرمت را اثبات کند و لذا قائل به جواز استفاده از این طریق می‌شویم؛ منتهی کماکان مسأله رضایت زوج باید مورد توجه قرار گیرد. چون بالاخره در همه این طرق، چه داروهایی که مانع آزاد شدن تخمک می‌شود و چه مواعی که بین اسپرم و تخمک ایجاد می‌شود، اینها همه از باب اینکه به نوعی منافات با حق زوج دارند، چه بسا بدون رضایت و اذن زوج قابل اعمال نباشد.

یکی دو راه دیگر هم وجود دارد که باید بررسی شود. البته عرض کردم که اینها همه در یک جهت مشترک‌اند و هیچ کدام از این راه‌ها منجر به عقم نمی‌شوند.

«والحمد لله رب العالمین»